

فقط که مینا نیست

تبعیض های کلان
اما مسکوت جامعه ایران

فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

درباره درخواست مینا نعمت زاده برای تحصیل در رشته پزشکی می شود صدها صفحه نوشت. کاری به شخصیت این خانم قهرمان تکواندو ندارم. خواسته او و واکنش مردم، در اصل امری کاملاً سیاسی است و به مسئله بازتوزیع منابع، مواهب و ارزش ها در جامعه اشاره دارد. از نظر دیوید ایستون سیاست چیزی جز «توزیع و تخصیص اقتدارگرایانه ارزش ها در جامعه» نیست. هارولد لاسکی هم می گفت: «سیاست یعنی دانستن اینکه چه کسی می برد، چه می برد، چه موقع می برد، چگونه می برد و کجا می برد؟» از این زاویه، یکی از کارویژه های اصلی سیاست و دولت، برقراری عدالت از طریق توزیع منصفانه مواهب است. همین بی عدالتی هم عامل عمده نارضایتی مردمان است. عدالت البته تعاریف متفاوتی دارد. یکی از بهترین آنها به گمانم این است: احقاق حقوق حقه آدمیان. یعنی هر کسی به حق خودش برسد. این حق البته در مواردی می تواند دقیقاً مشابه حق دیگری نباشد. از این منظر عدالت می تواند لزوماً به مساوات و برابری هم منجر نشود. اینجا عدالت یعنی رعایت تناسب هر چیز. باز ولی به هر روی نابرابری باید موجه باشد و مردمان بپذیرند که چرا کسی دارد از رانت و امتیاز خاصی بهره می برد.

برای نمونه در جهان امروز که شهروندی دموکراتیک به یک ارزش حتمی تبدیل شده، تردیدی نیست که انسان ها دیگر با آن همه تبعیض های ظالمانه نژادی، جنسی، زبانی، قومی، سنی، صنفی و طبقاتی که در جهان قدیم به هزاران حيله توجیه می شدند، سر سازگاری نخواهند داشت. در چنین جهانی برابری حقوقی شهروندان و برابری فرصت های خود شکوفایی، یک اصل تقریباً غیر قابل انکار است. نماد آن در سیاست می شود همین «هر شهروند، یک رای». متفکران هم بی کار نشسته اند. جان رالز یکی از پیشرفته ترین نظریه های عدالت را در قرن بیستم عرضه داشت. تامس نیگل هم می گفت، نابرابری محصول چهار عامل است: تبعیض، طبقه، استعداد و کوشش. از نظر او، مشروع ترین شکل نابرابری وقتی است که محصول ترکیب استعداد و کوشش باشد و نامشروع ترین نابرابری هم پیامد ترکیب تبعیض و طبقه است.

مایکل والزر هم کتاب درخشانی دارد به نام «حوزه های عدالت». ترجمه هم شده. آنجا او از «برابری پیچیده» دفاع می کند و بنیاد بحث اش را گذاشته روی جمله ای از کتاب «آملات» پاسکال: «سرشت جباریت عبارت است از خواهش تسلط بر کل جهان و برون از حوزه خاص خویش». الله اکبر از این همه شکوه تفکر، بعد پاسکال ادامه داده و زده به هدف اصلی بحث ما: «دسته های گوناگونی در کارند. تنومندان، زیبارویان، هوشمندان، پرهیزکاران - و هر کس به جای خود سروری دارد، نه در جای دیگر». پاسکال راقبت این افراد را با هم «احقانه» می داند و باز «جباریت» را تعریف می کند: «جباریت یعنی خواست تصاحب چیزی با وسیله ای که فقط با وسیله ای دیگر می توان آن را به دست آورد.»

با این تفاسیر اجازه به دید از خواسته ناعادلانه مینا بگذریم و آن را پای «جوانی» او بگذاریم. در عوض اما این صحبت ها را بهانه ای کنیم برای کنکاش در ساختار ناعادلانه آموزش، سرپازی، بهداشت، کنکور، اشتغال و اصلاً خود زندگی کردن در ایران؛ جامعه ای که در آن اقلیاری خاص به طور ویژه در خطوط انحصار و رانت، چهارپانده می تازند و مردمان عادی تماشاگرانی اند که هستند تا ورزشگاه خالی نباشد. در این اجتماع، انتساب به فلان فرد و ازدواج با بهمان خانواده، هزار امتیاز دارد، اما استعداد و کوشش، بیشتر مواقع، باد هواس است. باید گریست به حال کشوری که در همین رشته پزشکی دانشگاه تهران با ظرفیت ۳۰۰ نفر، افراد بدون سهمیه، با رتبه زیر ۱۰۰، گاه پذیرفته نمی شوند. این را من نمی گویم؛ آقای ظفر قندی وزیر پیشنهادی مسعود پزشکیان می گوید. همو می نالد که آخر سهمیه هم حد و حدودی دارد. به همه چیز قاعده و قانونی باید داشته باشد اما اوای به وقتی که تبعیض در لباس قانون عمل می کند؛ قانونی تهی از روح خویش و در تقابل با خواست صدساله این ملت که نخست در مشروطه و خواست «عدالتخانه» ظهور کردومی گفت هر ایرانی، چه شاه، چه گدا، باید در برابر قانون با دیگران برابر باشد. بله، تماش کنیم؛ «اگر دردم یکی بودی چه بودی» فقط که مینا نیست.

۲۴ ساعت

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریا سچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر
• دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین)
• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هممیهن. • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



نفس های به شماره افتاده ناشر

سیر نزولی انتشارات علمی و فرهنگی

از اعتراض کارکنان تا تعطیلی بخش کودک و نوجوان



زینب کاظم خواه

خبرنگار گروه فرهنگ

انتشارات علمی و فرهنگی دهه هاست که در بازار نشر ایران مشغول فعالیت است. این انتشارات سال ها پیش از ادغام دو نشر قدر دیگر پا به عرصه نشر کتاب گذاشته است: مؤسسه انتشارات فرانکلین و بنگاه ترجمه و نشر کتاب ایران، اما این نشر با پیشینه ای غنی، این روزها نفس اش به شماره افتاده است. کنایه فرشی این انتشارات در کریمخان بیش از یک سال تعطیل بود و علت آن را انبارگردانی عنوان کرده بودند. وقتی به وبسایت نشر مراجعه می کنیم تا ببینیم آخرین کتاب این نشر کی منتشر شده، با صفحه ای سیاه مواجه می شویم که پیغام این صفحه به حالت تعلیق درآمده، بالا می آید. صفحه ای اینستاگرام این انتشارات هم از تیرماه به روزرسانی نشده است. صفحات مجازی کنایه فرشی های این انتشارات در کریمخان و انقلاب از دو سال پیش به روز نشده اند این در حالی است که تبلیغات در دنیای امروز حرف اول را برای فروش می زند، ولی انگار مسئولان این نشر به تنها چیزی که اهمیت نمی دهند فروش کتاب است؛ آن هم مجموعه ای که تنها کالایش برای فروش کتاب است.

اینکه می گویم انتشارات علمی و فرهنگی، میراثی قوی در دست دارد به خاطر دو انتشارات بزرگی است که سال ها پیش در آن ادغام شدند. یکی از پایه های انتشارات علمی و فرهنگی، انتشارات فرانکلین است که در زمان فعالیتش یکی از پرشکوه ترین ناشران ایران بود. همایون صنعتی زاده، فرانکلین را در اوایل دهه ۱۳۵۰ راه انداخت و طی چند سال آن را به تشکیلاتی تبدیل کرد که اثری ماندگار در صنعت نشر ایران گذاشت و بعد از آن صنعتی زاده به این فکر افتاد که با ازان کردن کتاب، تیراژ آن را بالا ببرد از همین جا ایده ای کتاب های جیبی به ذهنش رسید و سازمان کتاب های جیبی را به مؤسسه فرانکلین اضافه کرد، این شد که تیراژ کتاب در آن زمان که جمعیت ایران یک سوم حالا هم نبود به پنج تا ۲۰ هزار نسخه رسید. بعد از آن صنعتی زاده چاپخانه ای راه انداخت که به زعم خودش در خاورمیانه نظیر نداشت. این انتشارات از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۶ بیش از ۱۰ هزار جلد کتاب منتشر کرد؛ از جمله کتاب های مهمی چون «از صبا تا نیما» و «ادب الیوم».

اما عمر این نشر بزرگ به بعد از انقلاب قد نداد و یک سال قبل از انقلاب این انتشارات به سازمان آموزشی نومرز تغییر نام داد، بعد از انقلاب به شرکت انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی تغییر نام داد و در نهایت در سال ۱۳۷۲ در نشر علمی و فرهنگی ادغام شد. اماستون دیگر انتشارات علمی و فرهنگی، برنگاه ترجمه و نشر کتاب نباشد است. این نشر را احسان یارشاطر راه انداخت و چهره هایی چون عبدالحمین زرین کوب، ایرج افشار، پرویز ناتل خانلری، سعید نفیسی، محمدعلی جمال زاده، داریوش آشوری و بسیاری دیگر کتاب های شان را در این انتشارات منتشر کردند. این انتشارات بعد از انقلاب با تغییراتی تحت سرپرستی بنیاد علوی قرار گرفت و در سال ۱۳۵۹ سازمانی وابسته به بنیاد علوی و بنیاد مستضعفان شد. در نهایت این دو نشر دیربای ایران بعد از سال ۲۹ فروردین ماه ۱۳۶۳ با تصویب قانون تبدیل مرکز انتشارات علمی و فرهنگی از صورت یک «مرکز وابسته» به «شرکت دولتی وابسته» در این انتشارات ادغام شدند.

تغییر مداوم مدیران

در سال ۱۳۷۹، ۵۱ درصد از سهام نشر علمی و فرهنگی در اختیار سازمان تأمین اجتماعی و ۴۹ درصد در اختیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار گرفت و از سال ۱۳۸۱ تاکنون به صورت یک شرکت غیردولتی اداره می شود. انتشارات علمی و فرهنگی که با پیشینه ای دو نشر قدیمی شکل گرفته است و

کتاب های ارزنده ای آن ناشران را در اختیار داشت، از سال ۱۳۸۰ تصمیم گرفت با هدف توسعه و گسترش فعالیت های اجرایی سه شرکت مجزا و وابسته را به نام های «شرکت چاپ و نشر کتیبه»، «شرکت بازرگانی کتاب گستر» و «شرکت فرهنگ فیلم تهران» به زیر مجموعه خود بیاورد و انتظار می رفت این انتشارات با پیشینه ای که داشت، بتواند خود را بالا بکشد اما این اتفاق نیفتاد و طی سال های گذشته حاشیه های این انتشارات کم نبوده و همچنان هم ادامه دارد. بعد از برکناری مسعود کوثری در سال ۱۳۹۸، انتصاب نادره رضایی به سمت مدیر عاملی این انتشارات، حاشیه هایی را به همراه داشت. انتقادات در آن زمان بیشتر بر این محور بود که نادره رضایی، مجری مراسم های ستاد انتخاباتی حسن روحانی بوده و در سمت های قبلی اش هیچ تجربه و تخصص ویژه ای برای اینکه مدیر این انتشارات باشد نداشته است. با فروکش انتقادات رضایی این فرصت را یافت تا برنامه هایش را اعلام کند و گفت، برای این که این انتشارات بتواند حضور بهتر و فعال تر نسبت به قبل داشته باشد باید یکسری تغییرات، نوآوری ها و تغییر رویکرد داشته باشد. او در این راه سعی کرد که این انتشارات را وارد نشر الکترونیک کند و اعلام کرد که در حوزه کتاب های صوتی هم برنامه هایی دارند. اما عمر مدیریت رضایی بر این انتشارات دو سال بیشتر دوام نداشت و بعد از او محسن تقیانی شش ماه سرپرست این انتشارات بود تا در نهایت قاسم صفایی نژاد به عنوان مدیر عامل این نشر قدیمی انتخاب شد.

اما نشر علمی و فرهنگی با وجود قدمت دیرینه اش این روزها دوباره دچار مشکلات زیادی شده است؛ یکی از مشکلات همیشگی این نشر، مشکلات مالی است که این موضوع می تواند به خاطر وابستگی مالی انتشارات به سازمان تأمین اجتماعی باشد که با خبر قطع چاپ این دفتر چها که این انتشارات آن ها را چاپ می کرد، صاحبان این نشر بیش از همه متضرر شدند. قاسم صفایی نژاد، مدیر عامل این انتشارات در اردیبهشت ماه سال جاری در مصاحبه ای به بدهی های انباشته شده و قدیمی این نشر اذعان کرده و گفته بود: «در بین مؤلفین و مترجمین بیش از ۸ سال، تأمین کنندگان ۵ سال و افراد قطع همکاری شده ۳ سال بدهی هایی باقی مانده بود، همگی تسویه شدند.»

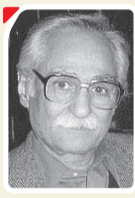
اعتراض کارکنان

اما این روزها خبر دیگری در باره انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده است که تعطیلی فروشگاه و نیمه تعطیل شدن چاپخانه، مشکلات پخش و توزیع و نارضایتی کارکنان به دلیل حقوق نگرستن، برخی از مشکلاتی هستند که این انتشارات و کارکنان شان با آن درگیر هستند. کارکنان این انتشارات از به تعویق افتادن حقوق شان خبر داده اند و بعضی از آن ها از اول سال ۱۴۰۳ هیچ حقوقی نگرفته اند؛ حتی عده ای که به خاطر مشکلات مالی از این مجموعه جدا شده اند هنوز حقوق شان را نگرفته اند. انصاف نیوز گزارش داده است که اخیراً جمعی از کارکنان شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و شرکتهای تابعه، نامه ای سرگشاده به مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی با موضوع نابودی و ورشکستگی انتشارات علمی و فرهنگی و راه حل آن نوشته اند و نامه ای دیگری راجع به اثرات نامطلوب مدیریت قاسم صفایی نژاد در این انتشارات نوشته شده است. در برخی از بندهای این نامه به اخراج و باز خرید پرسنل کارآمد، پرداخت مضاعف مالیات و بیمه، تعطیلی شرکتهای تابعه، اجاره ای ساختمان ها به شرکتهای تابعه، فروش تمام منابع ارزشی انتشارات، تعطیلی بخش کودک و نوجوان انتشارات و مجله ای پرندگی ای اشاره شده است.

بنظر می رسد که انتشارات علمی و فرهنگی این روزها فرسنگ ها از روزهای اوجش فاصله دارد، شاید دلیل این موضوع را بتوان مدیران ناکارآمدی دانست که از دل این مجموعه یا حتی دنیای نشر نیامده اند و به این انتشارات بیشتر به چشم یک بنگاه اقتصادی می نگرند. این انتشارات که میراث فرانکلین و بنگاه ترجمه و نشر کتاب را دارد، امروز به جایی رسیده که پشت پا به گذشته زده است.

چهره

ترانه سرای بزرگ



تورج نگهبان روز هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ در اهواز به دنیا آمد. نگهبان کار ترانه سرایی را از سال ۱۳۲۸ با همکاری همایون خرم، امین الله رشدی و مجید وفادار آغاز کرد و نخستین ترانه هایش به ترتیب با صدای محمود کریمی، امین الله رشدی، منوچهر همایون پور و داریوش رفیعی از رادیو پخش شد. علاوه بر این، نخستین ترانه های مرثیه با آهنگ های مجید وفادار و همایون خرم با کلام تورج نگهبان همراه بود. تورج نگهبان، همکاری خود را با برنامه گل ها از سال ۱۳۴۰ آغاز کرد و از همکاران همیشگی آن بود. او در طول عمر هنری خود به جز ترانه های مربوط به فیلم ها، بیش از ۷۰۰ ترانه تنها برای رادیو و سفارش آن سازمان سرود که با آهنگ آهنگسازان برجسته ای چون مرتضی محجوبی، جواد معروفی، حبیب الله بدیعی، زرین پناه، پروز باحقی، انوشیروان روحانی، بزرگ لشکری، اسدالله لشکری، فضل الله توکل، محمد حدادی، لقمان ادهم، بابک افشار، حشمت سنجر (رهبر ارکستر سمفونیک تهران)، حسن دهلوی، فرامرز پایور و... همراه بود. تورج نگهبان که از سال ۱۳۷۴ در آمریکا زندگی می کرد، ۳۰ مردادماه ۱۳۸۷ در ۷۶ سالگی در لس آنجلس درگذشت.

کتابخانه

بلاک چین چیست؟

حمید قاطع، فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مهندسی رشته صنایع دانشگاه شریف است. اثر تازه او، کتاب «راهکار زنجیره تأمین بلاک چین در ایران»، حاصل تجارب اجرایی و مدیریتی او در سطح کشور است که هم از بُعد نظری و هم بُعد عملی، اثری درخور توجه محسوب می شود. قاطع در این کتاب بلاک چین را به مثابه ابزاری سودمند برای بهره ور سازی مدیریت زنجیره تأمین و تأمین مالی زنجیره ای معرفی می کند. این کتاب مفاهیم اساسی حوزه بلاک چین و کاربردهای بلاک چین در زنجیره تأمین را شرح می دهد، سپس مطالعات موردی در خصوص کسب و کارهای زنجیره ای را



راهکار زنجیره تأمین
بلاک چین در ایران
نویسنده:
حمید قاطع
انتشارات: لوگوس

که تجربه موفقی از به کارگیری بلاک چین دارند، ارائه می کند. در نهایت نیز مراحل عملیاتی نحوه به کارگیری بلاک چین در زنجیره تأمین به روش توکن سازی و برات دیجیتال شرح داده می شود. مطالعه این کتاب به پژوهشگران و کارآفرینان حوزه کالاها و خدمات زنجیره ای توصیه می شود. «راهکار زنجیره تأمین بلاک چین در ایران» نوشته حمید قاطع، در ۲۱۲ صفحه و با قیمت ۲۵۰ هزار تومان توسط انتشارات لوگوس منتشر شده است.

تاریخ

روز جهانی مسجد



۲۱ اوت سال ۱۹۹۶ و دو سال پس از اشغال شهر قدس به دست اسرائیل، مسجد الاقصی توسط صهیونیست ها به آتش کشیده شد. در این آتش سوزی ۲۰۰ متر مربع از سقف مسجد به طور کامل ویران شد، گنبد مسجد در پنج نقطه آن سوخت و یکی از آثار مسجد همراه با یک منبر قدیمی ارزشمند که ۸۰۰ سال سابقه داشت، طعمه حریق شد و از بین رفت. این اقدام صهیونیست ها توسط بسیاری از کشورهای محکوم شد. شورای امنیت سازمان ملل نیز بعد از این اقدام شرم آور، تشکیل جلسه داد و در قطعنامه شماره ۴۷۱، با اکثریت آراء (۱۱ رأی) رژیم صهیونیستی را محکوم کرد و خواستار توقف تمام اقداماتی شد که منجر به تغییر وضعیت و شکل قدس می شود. چهار کشور کلمبیا، فنلاند، پاراگوئه و آمریکا به این قطعنامه رأی مثبت دادند. بعدتر به پیشنهاد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ایران و با تصویب وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی در اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی در تهران، ۳۰ مردادماه به عنوان روز جهانی مسجد نامگذاری شد.